

قره‌باغ در سال 2018؛ جنگ، صلح یا اندکی تعادل / سرگی مارکدائف

سال 2018 محتمل‌ترین سناریو در قره‌باغ «پویایی وضع موجود» خواهد بود، که در آن، به دلیل نقض رژیم آتش‌بس تهدید به تشدید درگیری جدید به طور مستمر باقی خواهد ماند، با این حال، به احتمال زیاد بعید است که این مناقشه به سمت و سوی وقوع جنگ کشیده شود.



آران نیوز/ در پایان سال 2017، روند مذاکره برای حل و فصل مناقشات قره‌باغ به طور قابل توجهی تشدید شد. در ماه اکتبر، نشست سرکسیان و علی‌یف، رؤسای جمهوری ارمنستان و آذربایجان، در ژنو برگزار شد که طرفین پس از گذشت یک سال و سه ماه، به میز مذاکره بازگشتند.

مذاکرات: کمیت و کیفیت

در پایان سال 2017، روند مذاکره برای حل و فصل مناقشات قره‌باغ به طور قابل توجهی تشدید شد. در ماه اکتبر، نشست سرکسیان و علی‌یف، رؤسای جمهوری ارمنستان و آذربایجان، در ژنو برگزار شد که طرفین پس از گذشت یک سال و سه ماه، به میز مذاکره بازگشتند. در ماه نوامبر در مسکو، روسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا با نعلبندیان و مامدیاریف وزرای خارجه دو کشور قفقازی ملاقات کردند. کمی بعد از آن، سرگی لاورف، وزیر امور خارجه روسیه، به باکو و ایروان سفر کرد. هرچند سفر وزیر امور خارجه روسیه به طور رسمی به 25 امین سال برقراری روابط دیپلماتیک میان روسیه و ارمنستان و آذربایجان اختصاص یافته بود، اما احتمالا مسئله حل و فصل مسالمت آمیز قره‌باغ، موضوع اصلی این سفر بوده است. در نهایت، در ماه دسامبر، ملاقات دیگری بین نعلبندیان و مامدیاریف برگزار شد. با این حال، فاصله مابین این جلسه و مذاکرات قبلی دو وزیر، اندک بود. آنها پیش از این، در سپتامبر 2017 و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک دیدار کردند.

با وجود این، تعداد ملاقات‌ها و بیانیه‌ها هنوز به راه‌حل‌های کیفی و عملی برای حل و فصل این اختلافات قومی و سیاسی چندین ساله نینجامیده است. در سال 2018، مناقشه قره‌باغ همچنان جدی‌ترین مشکل امنیتی قفقاز جنوبی باقی خواهد ماند. طرفین مناقشه آماده سازش در مورد تمامی مسائل موجود (وضعیت آینده قره‌باغ، پایان اشغال مناطق پیرامون منطقه خودمختار سابق قره‌باغ و بازگشت آوارگان) نیستند. همچنین انتظار نمی‌رود که ایده‌های جدید و موثری برای حل و فصل این مناقشه در کوتاه مدت وجود داشته باشد. در واقع، تمامی ابتکارات نسبتا مهم از قبیل بسته طرح‌ها یا طرح مرحله‌ای، ایده یک دولت مشترک یا تبادل اراضی قبلا اعلام شده است. نوامبر 2017، ده سال از زمان تشکیل «اصول مادرید» که شامل مفاد اصلی حل و فصل صلح بود سپری شد. در ژوئیه 2009، نسخه به روز شده‌ای از «اصول زیربنایی» منتشر شد که روسای گروه مینسک بر اساس آن توصیه کردند که طرفین مناقشه «به توافق برسند». با این حال، در تمام این مدت، طرفین حتی کوچکترین اقدامی برای اجرای پارامترهایی که توسط دیپلمات‌های میانجی به باکو و ایروان پیشنهاد شده بود، انجام ندادند. بنابراین، «اصول روزآمد مادرید» همچنان در حد حرف باقی مانده و الگوریتم مؤثری برای رسیدن به صلح نمی‌باشد.

پاندول قره‌باغ

بن‌بست دیپلماتیکی که در روند حل و فصل بحران قره‌باغ ایجاد شده، چالشی جدی برای امنیت اوراسیا است. با این حال، با حساسیت بیشتر این وضعیت، وخامت اوضاع در خطوط تماس طرفین مناقشه، به طور مرتب شدت می‌یابد. آتش‌بسی که در ماه می 1994 برقرار شد، در عمل، رعایت نشد. و به همین دلیل درست نیست که مناقشه قره‌باغ را مناقشه‌ای «منجمد و مسکوت» در نظر گرفت. در سال 2017، چندین انفجار و درگیری مسلحانه میان طرف‌های مناقشه روی داد. گسترده‌ترین حوادث در شب 24 فوریه و 25 فوریه، 15-17 می، 16-17 ژوئن، 4 و 7 جولای، 19 اکتبر روی داده بود. در آوریل 2017 اولین سالگرد «جنگ چهار روزه» که پس از به اجرا گذاشتن موافقتنامه آتش‌بس دائمی در تاریخ 12 مه سال 1994، گسترده‌ترین رویارویی نظامی دو طرف در خط تماس بود، برگزار شد. اغراق نیست اگر بگوییم تمام سال گذشته در انتظار تکرار احتمالی این حوادث سپری شد. با این حال، دومین «جنگ چهار روزه» روی نداد.

حوادث نظامی در خط تماس مرتبا با دور جدید مذاکرات صلح متناوب می‌شد. هشت روز پس از مذاکرتی که با حضور روسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان، «در حاشیه» کنفرانس امنیتی مونیخ برگزار شد، درگیری‌های فوریه روی داد. بلافاصله پس از نشست کاری وزرای خارجه روسیه، آذربایجان و ارمنستان در مسکو، تشدید و وخامت اوضاع در ماه می حادث شد. تیرگی اوضاع در ماه ژوئن هم وضعیت خاصی بود. این اتفاق قبل یا بعد از دیدارهای منطقه‌ای مرسوم روسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا رخ نداد، اما با فاصله کوتاهی از سفر آنها حادث شد.

درگیری‌های جولای در بسیاری جهات با الگوریتم مشابهی در حال گسترش بود. در 3 جولای 2017 دیپلمات‌های کشورهای میانجی در وین جلسه‌ای با حضور اعضای گروه داشتند (که در حقیقت، برای ارائه نتیجه سفر منطقه‌ای خود بوده است). گزارش روسای گروه مینسک به دلیل تدارک مأموریت غیررسمی وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا در مورباخ

اتریش برگزار شد. حوادث نظامی هم در قره‌باغ در 4 و 7 جولای رخ داد. مذاکرات سرژ سرکسیان و الهام علی‌یف روسای جمهور ارمنستان و آذربایجان نیز در 16 اکتبر برگزار شد. طبق ارزیابی روسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا، این مذاکرات «در فضای سازنده‌ای» برگزار شد. با این حال، سه روز پس از این نشست، دوباره در خط تماس طرفین مناقشه، درگیری‌ها شدت یافت.

بنابراین اوضاع قره‌باغ یادآور حرکت آونگ است. درگیری نظامی به تناوب برگزاری مذاکرات روی می‌دهد. در عین حال، حتی نقض آتش‌بس «جنگ چهار روزه» به برهم خوردن کامل روند مذاکرات نمی‌انجامد.

در این رابطه رویدادهای سال 2016 ارزشی ندارد. اما با توجه به اوضاع و شرایط امروز، این وقایع، رویدادهای بی‌سابقه‌ای محسوب می‌شوند. با این حال، پیشتر (در مارس 2008، تابستان 2010، آگوست 2014) درگیری‌های مسلحانه در قره‌باغ با همین ارزیابی‌ها همراه شد، در آن زمان هم این رویدادها بی‌سابقه بود. با این حال، تعداد این حوادث هر ساله افزایش یافت. در 12 نوامبر 2014، هلیکوپتر نظامی 24-ارمنستان توسط نیروهای مسلح آذربایجان سرنگون شد (در این رویداد 3 نفر کشته شدند). این اتفاق، اولین واقعه‌ای بود که از زمان امضای توافق آتش‌بس دائمی در می 1994 به سرنگونی یک بالگرد نظامی انجامید. در سال 2015 هم در آستانه برگزاری اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل یک رویارویی نظامی بزرگ، در قره‌باغ روی داد. در این اقدام مسلحانه، علاوه بر سلاح‌های پیاده نظام کالیبر بزرگ، خمپاره و موشک انداز، هویتر و سیستم‌های توپخانه هم به کار گرفته شد. در شب 8 تا 9 دسامبر 2015 نیز در خط تماس دو طرف از تانک استفاده شد. حوادثی که در دسامبر 2015 روی داد، اولین مورد به‌کارگیری از این نوع سلاح‌ها در این مناقشه طی 21 سال بود. علاوه بر این، فعال شدن گروه‌های جاسوسی خرابکار هم در این زمان، شایان ذکر است.

با این حال، وزرا یا روسای جمهور، هر بار، البته پس از وقفه‌های معین، پشت میز مذاکره می‌نشستند و به بحث و گفتگو پیرامون شرایط حل و فصل اوضاع می‌پرداختند، هرچند این مذاکرات نتیجه خاصی دربرداشت. به احتمال زیاد، در سال 2018 این خط مشیء ادامه خواهد یافت. بحث پرمضمون پارامترهای تعیین‌شده در «اصول زیربنایی» بعید به نظر می‌آید. دور جدید مذاکرات، همانند گذشته، «ناجی» روند صلح خواهد شد. به احتمال زیاد پس از جلسه بعدی «در یک فضای سازنده»، حوادث نظامی جدیدی روی خواهند داد که ارزش دیدارهای دیپلماتیک را به صفر می‌رسانند. در عین حال، تخریب کامل روند صلح نیز بعید است.

دورنمای ژئوپلیتیک: نه صلح، نه جنگ

معمولا در آثار نویسندگان غربی که به مسئله قره‌باغ اختصاص یافته، رکود در مذاکرات به عنوان مهم‌ترین پیش‌شرط برای «انجماد و توقف» کامل مناقشه و روی آوردن ارمنستان و آذربایجان به جنگ در نظر گرفته می‌شود. در این میان، درحقیقت، اکنون بیش از دو دهه است که طرفین بین صلح و جنگ قرار دارند. این بی‌ثباتی هم پایدار شده است. اما راز حفظ و پابرجایی «پاندول قره‌باغ» در طول این دوره طولانی چیست؟ و چرا این روند احتمالا در سال 2018 حفظ خواهد شد؟

نخست آنکه، ارمنستان و آذربایجان از برتری نظامی تعیین‌کننده‌ای برای درهم‌کوبیدن حریف برخوردار نیستند. امروزه ایروان در شرایطی نیست که به برهم‌زدن وضعیت موجود علاقمند باشد. ارمنستان به عنوان متحد روسیه در سازمان امنیت دست جمعی و کشوری که از مسکو تسلیحات را با تخفیف قابل توجهی دریافت می‌کند، حتی در صورت عدم به رسمیت‌شناختن رسمی جمهوری قره‌باغ از جانب روسیه، از زیرساخت‌های اجتماعی و امنیتی آن حمایت می‌کند.

آذربایجان حفظ وضع موجود فعلی را غیرقابل قبول می‌داند و بر توان اقتصادی و نظامی خود می‌افزاید. با این حال، باکو نیز به دلیل عدم برتری قابل توجه نسبت به حریف به یک جنگ طولانی علاقمند نیست، حمله برق‌آسا در قره‌باغ نیز همانطور که وقایع آوریل 2016 نشان داد، مشکل‌ساز است. مسئله دیگر تمایل آذربایجان به حفظ بی‌ثباتی در خط تماس و استفاده از عامل نظامی به عنوان یک ابزار تکمیلی در مذاکرات است. با این حال، چنین چیزی با محدودیت‌های زیادی همراه است. از یک سو، این اقدام مواضع طرف ارمنی را شدیدتر خواهد کرد، و از سوی دیگر موجب بدنامی آذربایجان در میان دیپلمات‌های کشورهای میانجی که دیگر به خود باکو چندان علاقمند نیستند خواهد شد.

دوم آنکه، مناقشه ارمنستان و آذربایجان، برخلاف رویارویی در دنباس و اوضاع آبخازیا و اوستیای جنوبی نه در روسیه و نه در غرب، به عنوان عرصه‌ای برای رویارویی مسکو و واشنگتن در نظر گرفته نمی‌شود. برعکس، نمایندگان گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا همواره تأکید می‌کنند که علی‌رغم اختلافات اساسی در طیف وسیعی از مسائل، در حل و فصل مسئله قره‌باغ هم‌عقیده هستند. در نتیجه، طرفین درگیر در مسئله قره‌باغ، امکانی برای چرخش اوضاع به امید حمایت از جانب «قدرت‌های بزرگ» مخالف یکدیگر ندارند. امتناع از مذاکرات و یا عقیم گذاشتن آنها، ایروان و باکو را همزمان هم در مقابل مسکو و هم در مقابل واشنگتن قرار خواهد داد. این یک وضعیت منحصر به فرد در فضای پسا شوروی است! اما عمدتا به عنوان یک عامل بازدارنده در مسیر جنگ عمل می‌کند.

سوم، آنکه امروزه هیچ دلیلی برای این تصور وجود ندارد که روسای گروه مینسک یا اعضای ذی‌نفع ویژه این گروه (ترکیه)، و همچنین همسایگان با نفوذ آنها (ایران)، برای گشایش نهایی «گره قره‌باغ» حاضر به انعقاد برخی معاملات ژئوپولیتیک باشند. در خصوص روسیه، فرانسه و آمریکا (سه کشوری که رئیس گروه مینسک هستند)، مشارکت‌گزینشی، شرط کافی برای اعتماد

بین طرفین نیست. فقدان چنین عاملی مانعی برای اعمال فشار مشترک بر طرفین مناقشه، در جهت وادارکردن آنها به مصالحه است. این امر نهایتاً فقط دو طرف را از لغزش به سمت جنگ بازمی‌دارد.

در سال‌های اخیر در مطبوعات آذربایجان و ارمنستان بحث‌های پیرامون «طرح لاوروف» بسیار محبوب شده است (این بحث‌ها درباره مجبورشدن احتمالی ایروان برای سازش در مورد مناطق پیرامون منطقه خودمختار سابق قره‌باغ برای تحت فشار قراردادن باکو برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا است). پس از مذاکرات ولادیمیر پوتین و رجب طیب اردوغان در سوچی در اکتبر سال 2014، این مذاکرات نیروی محرکه جدیدی پیدا کرد، چراکه آنها امکان دستیابی به راه‌حلی خاص در رابطه با قره‌باغ را (به عنوان بخشی از یک «بسته» فرضی که شامل خاورمیانه هم خواهد بود) با بهبود روابط مسکو و آنکارا میسر می‌دانستند.

در واقع، این «طرح» که به طور گسترده در رسانه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد، به طور رسمی در هر کجا منتشر نمی‌شود. افزون بر این، چنین اقدامی هیچ برد و فایده‌ای برای مسکو به همراه نداشت و صرفاً ارمنستان را «در این مقطع زمانی» [از روسیه] دور می‌کرد، و موجب تقویت بردار غربگرایی آن می‌شد. اما، هم‌زمان موجب توقف شراکت و همکاری‌های حمل و نقل و انرژی آذربایجان با ترکیه، اتحادیه اروپا و آمریکا که برای سال‌ها تنظیم شده است نمی‌گردد. در بهترین حالت، تعارض بین بردار اوراسیایی و همان «قرارداد قرن» که شرکت‌های نفتی پیشرو غربی در آن شرکت دارند باقی می‌ماند. همچنین بعید نبود که آنها بتوانند به سرعت بر مسکو پیروز شوند.

ایران، برخلاف روسیه، غرب و ترکیه، با احساس خطر از بین‌المللی شدن حل و فصل صلح آمیز و حضور احتمالی نیروهای حافظ صلح بین‌المللی در مرزهای شمالی خود (که برخی از آنها ممکن است آمریکایی باشند) «اصول زیربنایی» را نمی‌پذیرد. در نتیجه، تهران موضع محکمی داشته و در واقع هدف اصلی آن، حفظ وضع موجود فعلی و راه حل صلح آمیز بدون تلاش برای تسریع بخشیدن به آن است.

هیچ دلیلی برای این تصور وجود ندارد که در سال 2018 برخی از شرایط فوق‌الذکر هم‌زمان موثر نباشند. طرفین مناقشه علاقه‌ای به امتناع از طرح‌های حداکثری و جستجوی فرمول‌های سازش ندارند. با این حال، علاقه‌ای هم به مذاکرات پرمضمون مشاهده نمی‌شود. با این حال، آنها از منابع کافی برای حل مشکل خود برخوردار نیستند. بازیگران خارجی از تشدید این درگیری‌ها بیم دارند و (به دلایل مختلف) خواهان آن نیستند، اما آنها نیز از ظرفیت کافی برای رسیدن به اجماع برای اجبار ایروان و باکو به صلح برخوردار نیستند. این امر تا حد زیادی به خاطر این است که مسئولیت درگیری و همچنین مسئولیت پیدا کردن راهی برای خروج از بن‌بست فعلی بین طرفین تقسیم می‌شود.

با وجود این، در اینجا تصویر مطلوبی نمی‌تواند وجود داشته باشد. شرط مهم برای تشدید مجدد این درگیری، نقض مداوم رژیم آتش‌بس است که می‌تواند به «افزایش» یک سری از حوادث رو به گسترش بیانجامد. طرفین مناقشه (به‌ویژه آذربایجان که خود را بازنده می‌داند و به همین دلیل به برهم‌زدن وضع موجود بیشتر علاقمند است) با عدم اراده برای دستیابی به مصالحه سیاسی، می‌توانند نسبت به «آزمودن» حریف ابراز علاقه کنند که دلیلی برای نقض آتش‌بس به وجود خواهد آورد.

بنابراین، سال 2018 محتمل‌ترین سناریو در قره‌باغ «پویایی وضع موجود» خواهد بود، که در آن، به دلیل نقض رژیم آتش‌بس تهدید به تشدید درگیری جدید به طور مستمر باقی خواهد ماند، با این حال، به احتمال زیاد بعید است که این مناقشه به سمت و سوی وقوع جنگ کشیده شود. مذاکرات و حوادث نظامی به تناوب صورت خواهند گرفت، اما توقف کامل روند صلح بعید است. این امر گویای آن است که حل و فصل این درگیری مزمین در سال 2018 نیز دور از انتظار است.

نویسنده: سرگی مارکدائف، دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای خارجی در سیاست خارجی دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه و کارشناس موسسه ریاک

منبع: [شورای امور بین الملل روسیه \(ریاک\)](#)

مترجم: رقیه کرامتی نیا، دانش‌آموخته مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران